

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

تعاونیهای تولیدی در بخش کشاورزی

نویسنده: هادی ملانوری شمسی

استاد راهنما: مهدی طالب

استاد مشاور: حمید انصاری

سال تحصیلی: اردیبهشت ۱۳۷۱

توصیفگر: ۱۸۰ ص. : جدول . شماره بازیابی ۶۰ الف.

واژگان کلیدی: کشاورزی تعاونی / ایران / اصلاحات ارزی / تعاونیهای روستایی

چکیده:

هدف از این پژوهش ، بررسی تعاونیهای تولیدی در بخش کشاورزی ایران است. تحقیق حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای انجام یافته ومباحث آن در پنج بخش تنظیم شده است. در بخش اول ، مفاهیم و تعاریف تعاون ، انواع تعاونیها و واحدهای بهره برداری کشاورزی توضیح داده شده است . بخش دوم ، اختصاص به بررسی واحدهای بهره برداری کشاورزی در ایران دارد. در بخش سوم ، انواع تعاونیهای کشاورزی در دنیا و کارکرد آنها بررسی شده است. بخش چهارم ، به بررسی اجمالی تعاونیهای روستایی و اقدامات این واحدها در جامعه روستایی ایران پرداخته است. سرانجام در بخش پنجم ، خلاصه مباحث و نتیجه گیری نهایی ذکر گردیده است.

بر اساس بررسیهای انجام شده در این تحقیق ، کمبود آب یا بهره برداری غیر بهینه از آب از جمله مشکلات اساسی کشاورزی ایران محسوب می شود. کشاورزان ایران از سالهای گذشته برای مبارزه با مشکل کمبود آب اقدام به تشکیل واحدهای بهره برداری به صورت جمعی نموده اند که در مناطق مختلف به عناوین گوناگونی چون بنه ، حراثه دانگ و کته نامیده می شود. از سال ۱۳۴۱ به بعد بر اثر اصلاحات ارضی ، این واحدها از بین رفت. بعد از اصلاحات ارضی ، این واحدها از بین رفت. بعد از اصلاحات ارضی برای مبارزه با اتلاف آب و یکپارچه نمودن اراضی در سطح کشور تعاونی های تولید روستایی ، کشت و صنعتها و واحدهای سهامی زراعی تأسیس شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، اکثریت قریب به اتفاق این واحدها بنا به تقاضای اعضای آنها منحل گردیده و به جای آن مشاعها و تعاونی های کشاورزی و مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی بوجود آمدند. انحلال بعضی از این واحدها ، نشانگر این امر است که این نوع تشکلهای با روحیه اجتماعی ، فرهنگی افراد سازگاری نداشته است. تجارب به دست آمده از انواع تعاونی ها و کارهای جمعی نشان میدهد که بهترین نوع تعاونی ، آن نوعی است که در آن هم کار فردی و هم کار جمعی وجود داشته باشد. در تعاونیهای کشاورزی تولید اشتراکی تمامی فعالیتهای تولید به صورت گروهی انجام می شود. در این تعاونیها ، معیارهایی نظیر داشتن تجربه بیشتر و فعال بودن مطرح می شود و گاهی همین امر باعث تجزیه تعاونیها می شود.

به نظر نگارنده ، برای افزایش بازدهی بخش کشاورزی باید موانعی چون کمبود آب و پراکنده بودن اراضی، کمبود سرمایه و ماشین آلات کشاورزی ، عدم بکارگیری بذرا صلاح شده ، کود ، سم جهت دفع آفات ، عدم آگاهی کشاورزان به اصول صحیح کاشت و برداشت و عدم وجود نظام کشت واحد را برطرف نمود. این موانع از طریق تعاونیهای کشاورزی و افزایش تولید قابل رفع می باشند.